

انسان، موجود اخلاق‌گرا

افعال انسان

- فعل طبیعی = کارهایی که برای رفع نیازهای انسان انجام می‌شود.
 - فعل اخلاقی = کارهایی که مورد ستایش و تحسین و سرزنش واقع می‌شوند.
- اخلاق: وجه متمایز انسان از سایر موجودات

دیدگاه‌هایی در باب معیار فعل اخلاقی

- (۱) افلاطون: رساندن انسان به سعادت (علت) = خلاق بودن یک فعل (معلول)
- معیار اخلاقی بودن فعل (۱) موجب سعادت می‌شود.
 - (۲) موجب شقاوت می‌شود.

نکته: اگر فعلی در راستای سعادت انسان باشد، فضیلت نام دارد و اگر در راستای شقاوت باشد، رذیلت است.

- قوه شهوت: انسان را به سمت لذایذ میکشاند.
- قوای انسان
- قوه غضب: انسان را در برابر خطرات به ایستادگی وامی‌دارد.
 - قوه عقل: خوب و بد را و سعادت را تشخیص می‌دهد.

- تبدیل شهوت به خویشتن داری
- تبدیل غضب به شجاعت
- تبدیل عقل به حکمت
- شیوه تأثیر قوه عقل بر سایر قوا
- نتیجه این قوا در میان قوای انسان، عدالت برقرار می‌شود.

(۲) ارسطو: وی نظری مانند افلاطون دارد.

در حاکم بودن عقل (علت)، انسان به اعتدال (معلول) می‌رسد و در نتیجه کامل شدن رشد، عقلی انسان به سعادت (معلول) می‌رسد.

معیار فعل اخلاقی وی وجدان است.

- (۳) کانت:
- وجدان اخلاقی که هر انسان در درون خود دارد او را به سوی عمل خیر اخلاقی دعوت میکند.
 - خیر اخلاقی کاری که برای اطاعت از وجدان انجام شود و هدف و منفعت شخصی در آن نباشد.
 - گرایش به عدل بر اساس دعوت وجدان می‌پذیرد که فضیلت شمرده می‌شود.

- ریشه فعل اخلاقی برای انجام کارها بر اساس منافع طبیعی است.
- بعد روحی و معنوی انسان را انکار می‌کنند.
- (۴) فیلسوفان طبیعت‌گرا (هابز):
- ریشه فعل اخلاقی را باید در رفتار طبیعی انسان پیدا کرد.
 - اگر کاری به نفع انسان است خوب است.
 - اگر کاری به نفع انسان نیست، بد است.

- عقل منبع شناخت فضیلت‌ها و رذیلت‌هاست.
- (۵) فلاسفه مسلمان:
- عقل عملی معیار تشخیص رفتار خوب و بد عقل است.
 - ملاک عقل در تشخیص، کمال روح است.

ارکان عمل به فضیلت

۱- شناخت فضائل و رذائل و انتخاب فضائل

۲- خدا از طریق تعیین پاداش و مجازات

۳- مختار بودن انسان